

بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق

شمال (۱ و ۲) و جنوب شهر (۱۹ و ۲۰) تهران^۱

محسن نیازی^۲

الهام شفائی مقدم^۳

یاسمن شادفر^۴

چکیده:

امروزه مفاهیم سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی از مفاهیم کلیدی علوم اجتماعی به شمار می‌آیند. صاحب نظران و دانشمندان علوم اجتماعی بر اهمیت مقوله امنیت اجتماعی به عنوان نیاز اساسی انسان و نیز پدیده سرمایه اجتماعی به عنوان بستر مناسب بهره‌وری و نیل به موفقیت و نیز تعامل بین دو مفهوم تأکید نموده‌اند. در این میان، بررسی رابطه بین دو پدیده سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و می‌توانند نقش بسزایی در توسعه اجتماعی ایفا نمایند از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. با توجه به مباحث فوق، هدف اساسی این مقاله تبیین دو مفهوم سرمایه اجتماعی و احساس امنیت و نیز چگونگی پیوند و تعامل دو متغیر فوق در بین زنان مناطق جنوب و شمال تهران در سال ۱۳۸۹ می‌باشد. این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری شده است. برای سنجش متغیر سرمایه اجتماعی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و آگاهی اجتماعی و همچنین برای سنجش احساس امنیت اجتماعی زنان از ۲۰ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. اعتبار و روایی مقیاس‌های سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی پژوهش شامل کلیه زنان واقع در سنین فعالیت (۶۴-۱۵) ساکن منطقه شمال (مناطق ۱ و ۲) و جنوب (مناطق ۱۹ و ۲۰) شهر تهران در سال ۱۳۸۹ می‌باشد. بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران، از هر منطقه ۲۶۵ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده افراد نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق وجود همبستگی معنی‌دار بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب شهر تهران را نشان می‌دهد. نتایج فعالیت آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون در بین زنان منطقه شمال تهران ($r=0.296$) و در بین زنان منطقه جنوب تهران ($r=0.640$) رابطه معنی‌دار دو متغیر در سطح اطمینان ۹۹ درصد را نشان می‌دهد. نوع رابطه مثبت بوده و بیانگر این امر است که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی زنان، شاهد افزایش احساس امنیت اجتماعی در بین آنان خواهیم بود.

کلید واژه: امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، انسجام اسلامی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱۲
۲. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان
۴. کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

۱- مقدمه

امنیت نیازی اساسی و همگانی است که تصور بی‌نیازی از آن محال است. اهمیت و ضرورت امنیت در پیوند ناگسستنی آن با زندگی و حیات است. دانشمندان امنیت را به مثابه یکی از نیازهای اساسی انسان در نظر می‌گیرند (اوسلر، ۲۰۰۱؛ الدریچ، ۲۰۰۵ و کارینگ، ۱۹۸۷).

امروزه نگاه به مسائل و آسیب‌های امنیتی می‌تواند از زوایای مختلفی صورت پذیرد که بخش عمده آن گریبانگیر زنان جامعه که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، می‌باشد. در واقع با گسترش جوامع، پدیده‌هایی اعم از افزایش تورم و هزینه‌های بالای زندگی، فقر، گرانی مسکن و عواملی نظیر آن، مسائل اجتماعی زنان و زمینه‌های ناهنجاری‌های اجتماعی آنان را فراهم می‌کند (ماندل، ۱۳۷۷، ۲۲) و این امر موجب احساس ناامنی و فقدان مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌گردد.

از سوی دیگر، در مباحث توسعه و علوم اجتماعی در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی^۱ مطرح است. این مفهوم به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. سرمایه اجتماعی، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام بخش میان انسان‌ها، سازمان‌ها و انسان‌ها با سازمان‌ها و سازمان‌ها با هم می‌باشد. در جامعه‌ای که فاقد سرمایه اجتماعی است، سایر سرمایه‌ها بهره‌وری کمتری خواهند داشت. از این رو موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به توسعه محسوب شده است.

از نظر تاریخی دهه ۱۹۹۰ میلادی دوره ظهور موضوعات جدیدی بود که سرمایه اجتماعی یکی از مهمترین آنها را تشکیل می‌دهد. سرمنشاء این مفهوم به ۹۰ سال پیش که «هانی فان» اصطلاح سرمایه اجتماعی را در مقاله‌ای مطرح کرد و به عبارتی به سال ۱۹۶۱ هنگامی که «جین جاکوب» معمار منتقد آمریکایی، اثر کلاسیک خود «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» را به چاپ رساند، باز می‌گردد (شاه‌حسینی، ۱۳۸۳، ۵۱). در مجموع سرمایه اجتماعی در برگیرنده اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی از پیوندهای اجتماعی هستند که موجب گرد هم آمدن افراد به صورتی منسجم و با ثبات در

1. Social Capital

داخل گروه به منظور تأمین هدفی مشترک می‌شوند. صاحب‌نظران در ارتباط با عوامل مؤثر بر ارتقای سطح سرمایه اجتماعی به مواردی از قبیل آموزش و پرورش (اسمیت، ۱۹۹۷)، بهداشت، اطمینان و اعتماد به نهادهای سیاسی و رضایت از دولت و تعهد سیاسی (پوتنام، ۱۹۹۳) اشاره کرده‌اند (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳، ۱۲).

امنیت نیز مانند هر کالای عمومی دیگر نیازمند اهتمام جمعی برای تحقق و دستیابی می‌باشد و از این‌رو به اتکای فرد سامان نمی‌گیرد و استقرار نمی‌یابد. کم و کیف امنیت با قابلیت‌ها و اقدامات فردی تفاوت می‌پذیرد، اما سامانه امنیت در سایه تلاش‌های جمعی فراهم می‌گردد (نویدینا، ۱۳۸۸، ۳۵). بنابراین، موضوع سرمایه اجتماعی تا بدانجا اهمیت دارد که می‌توان گفت مهمترین مسأله نظم اجتماعی، چیزی جز اعتماد و همبستگی اجتماعی نیست. زیرا بدون انسجام و اعتماد، نمی‌توان به دوام و پایداری نظم و امنیت جامعه خوشبین بود (لرنی، ۱۳۸۴، ۶۹).

بی‌تردید در ایجاد امنیت و احساس امنیت، عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آنها برقراری احساس امنیت را کند کرده و یا مانع از تحقق آن می‌شود. ضرورت مطالعه و تحقیق در خصوص مسأله‌ی مطرح‌شده نیز از آنجا ناشی می‌شود که تهدیدات داخلی بالفعل و بالقوه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته اغلب امنیت اجتماعی این جوامع را به خطر می‌اندازد (خوشفر، ۱۳۸۷، ۳). بر همین اساس، شناسایی عوامل و عناصر تأمین امنیت اجتماعی و احساس ایمنی از پیش شرط‌های اساسی در جهت برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی به شمار می‌رود.

با توجه به اهمیت دو مفهوم سرمایه‌اجتماعی و امنیت‌اجتماعی و تعامل آنها در این مطالعه چگونگی پیوند و ارتباط دو متغیر فوق در جامعه آماری تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌است. بر این مبنای هدف اساسی این مقاله بررسی شناسایی رابطه بین سرمایه‌اجتماعی و احساس امنیت‌اجتماعی در بین زنان که از حساسیت بیشتری نسبت به مقولات امنیت برخوردارند، می‌باشد.

۲- مباحث نظری

در این بخش، ابتدا مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل پژوهش تشریح گردیده و پس از آن، امنیت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته پژوهش تشریح گردیده و سپس به رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی پرداخته شده است.

۲-۱- سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی ناظر بر ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد متقابل ناشی از آنهاست. از نظر پوتنام «سرمایه اجتماعی بر قابلیت جامعه برای ایجاد انواع انجمن‌های داوطلبانه دلالت دارد که افراد را به همکاری با یکدیگر و در نتیجه حفظ تکرگرایی دموکراتیک تشویق می‌کند» (هافمن، ۱۳۸۳، ۵۹).

پوتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان همبستگی اجتماع محلی حاصل شده دارای ویژگی‌های ذیل می‌داند:

۱. وجود مجموعه‌ای متراکم از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماع محلی.
۲. سطوح بالای تعهد مدنی یا مشارکت در شبکه‌های اجتماعی محلی.
۳. هویت محلی قوی و مثبت و نیز احساس تجانس و برابری با اعضای اجتماع محلی.
۴. هنجارهای تعمیم‌یافته محلی مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی و اینکه آیا آنها یکدیگر را به لحاظ شخصی می‌شناسند یا خیر.

۵. شبکه‌های مشارکت مدنی تجسم همکاری‌های موفقیت‌آمیز گذشته هستند که می‌توانند همچون الگویی فرهنگی برای همکاری‌های آتی عمل کند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ۲۷۸).

پی‌یر بوردیو از اولین جامعه‌شناسان و محققانی است که به تحلیل سیستماتیک ویژگی‌های سرمایه اجتماعی پرداخت. براساس تعریف بوردیو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است. از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی عبارت از شبکه‌ای از روابط فردی و جمعی است که هر فرد یا جمعی در اختیار دارد.

در مطالعات اخیر، پیامدهای مثبت افزایش سرمایه اجتماعی و نتایج منفی کاهش آن از سوی پژوهشگران به اثبات رسیده است. فوکویاما (۱۹۹۷)، کلمن (۱۹۸۸) و پوتنام (۱۹۹۰) سرمایه اجتماعی را اساس هویت، شناسایی و اعتبار جامعه می‌دانند، همچنین، افزایش سطح بی‌اعتمادی در جامعه، کاهش سطح تعهد اجتماعی، پایین آمدن میزان مشارکت‌های اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی را معلول کاهش سرمایه اجتماعی می‌دانند (وحیدا و دیگران، ۱۳۸۲، ۶۲).

همچنین نان‌لین (۱۹۸۲) با طرح نظریه منابع اجتماعی مفهوم سرمایه اجتماعی را به عنوان منابع نهفته در ساختار اجتماعی مطرح کرد که با کنش‌های هدفمند قابل دسترسی می‌باشد. از نظر لین منابع ارزشمند در اکثر جوامع ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی می‌باشد و لذا سرمایه اجتماعی افراد را

برحسب میزان یا تنوع ویژگی‌های دیگرانی که فرد با آنها پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم دارد قابل سنجش می‌داند (توسلی، ۱۳۸۴، ۱۰). اندیشمندان مختلف سرمایه اجتماعی، عناصر متعددی را برای این مفهوم قائل هستند. از جمله کلمن، پوتنام و فوکویاما به مؤلفه‌هایی چون اعتماد، مشارکت، آگاهی و انسجام اجتماعی اشاره دارند. در زیر به توضیح مختصری از هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱- اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی مفهومی است که در فرآیند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماع با همدیگر تبلور می‌یابد. اعتماد، احساس روابط اجتماعی است و رابطه مستقیم با میزان روابط اجتماعی دارد. بدین صورت که هرچه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی به جامعه بیشتر باشند به همان میزان، روابط اجتماعی از شدت، تنوع، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است.

ایده انسجام و اعتماد اجتماعی همانطور که زتومکا بیان داشته ایده جدیدی نیست بلکه یک جریان فکری است که چندین قرن از آن می‌گذرد (زتومکا، ۱۹۹۹، ۱۰). مفهوم اعتماد از مؤلفه‌های مهم و حیاتی سرمایه اجتماعی است. پوتنام، سرمایه اجتماعی را به عنوان شبکه‌هایی از انجمن‌های ارادی و خودجوش معرفی می‌کند که به وسیله اعتماد گسترش یافته‌اند (زتومکا، ۱۳۸۴، ۱۸). به نظر پوتنام در نظریه سرمایه اجتماعی این اصل مفروض است که انسان‌های جامعه هر چه بیشتر با افراد دیگر در تعامل بوده و ارتباط متقابل داشته و به یکدیگر اعتماد متقابل داشته باشند (پوتنام، ۱۹۹۵، ۶۶۵). از دیدگاه سلیگمن «اعتماد یکی از ضروری‌ترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های روابط مستمر اجتماعی قلمداد می‌شود» (۱۹۹۷، ۱۳). گود معتقد است بدون وجود اعتماد اجتماعی زندگی روزمره امکان‌پذیر نمی‌گردد (۱۹۸۸، ۳۲).

اورت راجرز عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی و فقدان همدلی و اعتماد اجتماعی و نیز عوامل دیگری مانند تقدیرگرایی و پایین بودن سطح آرزوها و مانند آنها را مانع نوآوری و پذیرش تغییرات و به تعبیری مانع نوسازی به‌ویژه در جوامع روستایی قلمداد می‌کند (ازکیا، ۱۳۶۴، ۹۵-۷۰).
 به نظر آلموند و وربا «اعتماد به یکدیگر شرط تشکیل روابط ثانوی است» (اینگلهارت، ۱۳۸۲، ۲۴). کریستوفر مور اعتماد را «عبارت از قابلیت شخص برای اتکاء یا اطمینان به صداقت یا صحت

اقوال یا رفتار دیگری» می‌داند (کوثری، ۱۳۷۵، ۹۸). فوکویاما «توانایی نیل به سعادت در یک جامعه را در درجه اول به دوام و قوام جامعه مدنی، توانایی افراد جامعه به مشارکت و همکاری در اجتماعات کوچک و بزرگ و رعایت موازین اخلاقی چون اعتماد، صداقت و اتکاپذیری وابسته می‌داند» (امیری، ۱۳۷۴، ۱۳).

لرنر عامل همدلی را یکی از عناصر و عوامل اساسی ظهور شخصیت‌های نوگرا تلقی نموده و با طرح مفهوم همدلی به معنی اینکه شخص قادر باشد خود را در جای دیگری بگذارد سعی در تبیین ظهور نوگرایی در افراد دارد (لرنر، ۱۹۶۴، ۷۱).

اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از پیش شرط‌های اساسی مشارکت اجتماعی نیز تلقی می‌گردد. باربالت «اعتماد را پایه عاطفی و احساسی مشارکت» می‌داند (باربالت، ۱۹۹۶، ۷۷). به نظر داسگوتا اعتماد تسهیل‌کننده مشارکت اجتماعی است (۱۹۹۸، ۴۹). در شرایط بی‌اعتمادی «هر کس سعی می‌کند با توسل به شگردهای هرچه بدیع‌تر گلیم خود را از آب بیرون بکشد و اگر فرصتی هم پیش آمد زیر پای دیگران را خالی کند» (کاظمی، ۱۳۷۶، ۱۱۵).

گیدنز اعتماد را به مفهوم انتظار برآورده شدن چشمداشت‌ها در مورد رویدادهای احتمالی دانسته است (۱۳۷۷، ۳۸). گیدنز مفهوم اعتماد را به قضایای محاسبه سود و زیان مرتبط ندانسته، بلکه آن را بیشتر به مخاطره مرتبط می‌سازد. به نظر وی زندگی در جامعه مخاطره‌آمیز به معنای زندگی با نگرشی محاسباتی به امکانات متعدد کنش اعم از مثبت یا منفی است (آزادارمکی و کمالی، ۱۳۸۳، ۱۱۲). آنتونی گیدنز ریشه اعتماد را در اطمینان به اشخاص درستکار و معتبر مربوط می‌داند که به طور معمول از نخستین تجربیات کودک حاصل شده است. به نظر وی «در صورت عدم وجود اعتماد کنش افراد مبتنی بر رویکردهای بدگمانی یا خودداری می‌باشد» (گیدنز، ۱۳۷۷، ۱۱۹).

۲-۱-۲- مشارکت اجتماعی

ایده مشارکت اجتماعی دارای سابقه دیرینه‌ای است. به نظر میدگلی مشارکت اجتماعی ایده‌ای کاملاً ایدئولوژیکی است که بازتاب اعتقادات ناشی از نظریه‌های اجتماعی و سیاسی است (نیازی، ۱۳۸۳، ۳). الغنمی مشارکت در بعد اجتماعی و سیاسی را شرکت در تصمیم‌گیری از طریق سازمان‌ها به انتخاب خود بیان نموده است (الغنمی، ۱۳۷۲، ۶۰). به نظر گائوتری مشارکت اجتماعی فرآیند اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چند بعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم

به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (گائوتتری، ۱۹۸۶، ۳۷). از طرف دیگر، کرافت و بیراسفورده تحولاتی چون جنبش‌های جدید، بازنگری در مورد نیازهای انسان، ظهور مجدد ایده شهروندی و فرانوگرایی را موجب توجه به ایده مشارکت دانسته‌اند (کرافت و بیراسفورده، ۱۹۹۲، ۲۲).

در رویکرد نوگرایی، ارزش‌های فرهنگی پیش‌نیاز اساسی برای وصول به مشارکت اجتماعی محسوب می‌شوند (لهسایبی‌زاده، ۱۳۶۸، ۱۳۸). به عبارت دیگر، مشارکت پدیده‌ای ذهنی تلقی می‌شود که باید آن را در افکار، عقاید، گرایش‌ها و فرهنگ مردم جستجو کرد. لذا برای گسترش فرهنگ مشارکت باید بسیاری از قالب‌های پیش‌ساخته ذهنی را دگرگون ساخت (طالب، ۱۳۷۶، ۱۰۵). در این رویکرد، برای ورود افراد به فرآیند مشارکت باید در جهت‌گیری‌ها و ویژگی‌های شخصیتی افراد جامعه تغییراتی حادث شود. از این رو در این رویکرد، عدم مشارکت مردمی در برنامه‌های توسعه تحت عنوان سنت‌گرایی و یا مقاومت نسبت به مدرنیته شدن تفسیر می‌شود (سیف‌الدینی، ۱۳۷۵، ۳۴۱).

آلن بیرو مشارکت را به معنای «سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت-جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن» تعریف کرده است (بیرو، ۱۳۷۰، ۲۵۷). وار بر اساس گرایش روان‌شناسی اجتماعی «مشارکت را به درگیری در فعالیت و تأثیرپذیری اجتماعی تعریف کرده است» (آزاد ارمکی، ۱۳۷۲). از دیدگاه آلموند و پاول فعالیت‌های مشارکت‌جویانه آن دسته از فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی می‌کوشد از راه آنها بر روی سیاست‌گذاری اعمال نفوذ کند (آلموند و پاول، ۱۳۸۰، ۱۳۸). از دیدگاه یوماال «مشارکت در مفهوم گسترده‌اش برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان آنان برای پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است (پاتریک، ۱۳۷۴، ۱۱۹). از دیدگاه موريس اکسلرد اصطلاح مشارکت برای گروه‌های خاصی به کار می‌رود، ورود به آنها بر پایه انتخاب افراد قرار دارد و به مشارکت‌های گروهی غیر سودآور محدود می‌شود (اکسلرد، ۱۹۵۰، ۱۴).

از دیدگاه گالت، مشارکت به عنوان وسیله ارزشمندی برای بسیج و سازماندهی و تعالی‌بخشیدن به فعالیت‌ها توسط خود مردم به عنوان حلال اصلی مشکلات در شرایط اجتماعی خود به شمار می‌رود (گالت، ۱۹۵۵، ۱۰۱). آنتونی هال و جیمز میدگلی معتقدند حجم وسیع و رو به گسترش تحقیقات در زمینه مشارکت بیانگر این امر است که نزد بسیاری از نظریه‌پردازان، مشارکت به عنوان یک مقوله اعتقادی و پیش‌نیاز هر طرح یا برنامه موفقیت‌آمیز برای بهبود زندگی مردم و توسعه اجتماعی مطرح است (هال و میدگلی، ۱۹۸۸، ۹۱). از دیدگاه بوکلند «مشارکت جزء اساسی و لاینفک توسعه

به‌شمار آمده و در غیاب آن طرح‌ها و برنامه‌های توسعه با شکست مواجه می‌گردند» (بوکلند، ۱۹۹۸، ۱). به نظر یومال «مشارکت در مفهوم گسترده‌اش، برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان آنان جهت پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است» (پاتریک، ۱۳۷۴، ۱۱۹). همچنین مشارکت یکی از مفاهیم اساسی در تعریف دموکراسی است. لوسین پای مشارکت را لازمه توسعه سیاسی دانسته و معتقد است «توسعه را باید براساس مشارکت در امور عمومی مفهوم‌سازی کرد» (قوام، ۱۳۷۷، ۹۶). ژاکوبسن در تعریف دموکراسی معتقد است «مشارکت اکثریت مردم در زندگی سیاسی و تصمیم‌گیری سیاسی از طرف آنان دموکراسی تلقی می‌شود» (بشیریه، ۱۳۷۴، ۲۳۵). از دیدگاه اینکام «مشارکت از طریق حاکم کردن ضعفا بر سرنوشت خودشان به آنها قدرت می‌دهد» (اینکام، ۱۳۷۶، ۱۵۱). کارل کوهن یکی از ابعاد دموکراسی را اندازه‌های مشارکت دانسته و قوام دموکراسی را منوط به وجود مشارکت می‌داند (کوهن، ۱۳۷۳، ۲۴). همچنین، هابرماس با طرح مفهوم «حوزه عمومی» از مشارکت به‌عنوان هدف و ویژگی زندگی انسانی یاد می‌کند. از دیدگاه وی «اصل مشارکت و نظارت دموکراتیک یکی از پایه‌های اساسی حوزه عمومی را تشکیل می‌دهند» (هابرماس، ۱۳۷۸، ۱۱۷).

شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از اجزای ضروری سرمایه اجتماعی می‌باشند و هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای مترکم‌تر باشند احتمالاً همکاری شهروندان از جهت منافع متقابل بیشتر است (ازکیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۳، ۵۲). پوتنام، شبکه‌های مشارکت اجتماعی را به عنوان خاستگاه دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی و همیاری مطرح نموده است. وی معتقد است شبکه‌های افقی یا مساوات‌طلب در قالب مشارکت‌های اجتماعی مانند احزاب، باشگاه‌ها و انجمن‌ها به دلیل ارایه چارچوب‌های فرهنگی برای همکاری موجب شکل‌گیری و گسترش هنجار اعتماد اجتماعی می‌شوند (پوتنام و گاس، ۲۰۰۱، ۶).

ایزنشتاد گرایش به مشارکت را یکی از ویژگی‌های جوامع جدید دانسته و معتقد است «چارچوب سازمانی واقعیت‌های اجتماعی برای جوامع جدید فراتر از واحدهای محلی بوده و بر ملاک‌های عام‌گرایانه تأکید دارند» (ایزنشتاد، ۱۹۶۶، ۱۲).

۲-۱-۳- انسجام و همبستگی اجتماعی

از دیدگاه جامعه‌شناختی «همبستگی» پدیده‌ای است که براساس آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضاء به یکدیگر وابسته و به‌طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند (بیرو، ۱۳۷۰، ۴۰۰). انسجام

اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد به عبارتی «انسجام در کل ناظر بر میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های تمایز یافته است» (افروغ، ۱۳۷۸، ۱۴۰). به نظر ایزنشتاد مهمترین مسأله نظم اجتماعی برای دورکیم و تا حدودی برای فردیناند تونیس، اعتماد و همبستگی اجتماعی است، یعنی اینکه بدون انسجام و اعتماد پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست (چلبی، ۱۳۷۵، ۱۲). امیل دورکیم همبستگی را از نوع روابط عاطفی مثبت دانسته و از «حس همبستگی» نام می‌برد. دورکیم همبستگی را نوعی «دوست داشتن دیگران» و یا «جاذبه متقابل» می‌داند (دورکیم، ۱۳۶۹، ۶۶). دورکیم به نقش انسجام اجتماعی در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اشاره نموده و معتقد است «هر چه اعضای یک جامعه همبسته‌تر باشند، روابط گوناگون خود را با یکدیگر یا در حالت دسته‌جمعی با گروه بیشتر حفظ می‌کنند» (آبراهامز، ۱۳۶۹، ۱۹۶). از نظر دورکیم انسجام اجتماعی می‌تواند وحدت، سلامت و یکپارچگی گروه را تأمین کند. به نظر وی «هر جا که این همبستگی نیرومندتر باشد بر میزان روابط متقابل میان آنان می‌افزاید و برعکس، هرچه میزان همبستگی کمتر باشد از تنوع روابط و برخوردهای میان افراد جامعه کاسته خواهد شد» (تنهایی، ۱۳۷۴، ۱۳۳).

تالکوت پارسونز معتقد است سطح بالای انسجام زمانی است که کنش‌های افراد اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد. در این کنش‌ها مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران به حد اعلا می‌رسد (پارسونز، ۱۹۵۵، ۲۸).

۲-۱-۴- آگاهی اجتماعی

آگاهی اجتماعی شامل مجموعه‌ای از افکار، عقاید و حساسیت نسبت به زندگی و توجه به هر آنچه که در وسیع‌ترین معنا به امور عمومی اعم از سیاسی و یا اجتماعی مربوط می‌شود، می‌باشد. آگاهی و توجه پیش‌شرط شناختی ضروری و شکل فعال‌تر مسئولیت مدنی است که باعث علاقه‌مندی و دل‌نگرانی می‌شود. نقطه مقابل آگاهی، وضعیت شناختی چشم‌پوشی، بی‌تفاوتی و شکل‌گیری نگرش فرصت طلبانه است (فیروزآبادی، ۱۳۸۴، ۲۸).

رشد نهادهای آموزشی و علمی زمینه‌ساز مشارکت بیشتر مردم در تحولات اجتماعی و اقتصادی است و در مردم نوعی قابلیت و تحرک ذهنی ایجاد می‌کند که باورهای مناسب توسعه انسانی را پذیرفته و درونی می‌سازد (ازکیا، ۱۳۸۰، ۶۲). پل هریسون معتقد است «آموزش عملی و مناسب بیش از

هر عامل دیگر انسان را قادر به تغییر محیط خود می‌سازد» (هاریسون، ۱۳۶۴، ۲۵۰). از دیدگاه لیند و اینجمار «آموزش و پرورش برای کشورهای توسعه نیافته عامل نهایی برای نوسازی و صنعتی‌شدن است و با توجه به این مسأله آموزش و پرورش عمومی برای کلیه افراد یک جامعه به‌عنوان هدف عمده برنامه‌ریزان توسعه مطرح می‌شود» (لیند و اینجمار، ۱۳۷۱، ۶۲). همچنین، دانیل لرنر گسترش رسانه‌های گروهی و آگاهی را از مهمترین عناصر ظهور شخصیت‌های جدید قلمداد نموده و به نقش رسانه‌های جمعی در ظهور آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی برای پیشرفت کشورهای در حال توسعه تأکید دارد (ساسمن و همکاران، ۱۳۷۴، ۱۲).

۲-۲- امنیت اجتماعی

به موازات گسترش اجتماعات و پیچیده‌تر شدن روابط و تعاملات اجتماعی، موجود بشری وارد روابط گوناگونی شد که عرصه‌های زندگی را تحت عناوین اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... از هم متمایز کردند و امنیت او را تحت‌الشعاع قرار دادند. بشر که برای تأمین امنیت و فرار از ناامنی، جامعه را تشکیل داده بود به زودی دریافت که این بار امنیت او نه تنها از سوی طبیعت و عوامل طبیعی، بلکه از سوی انسان‌ها و عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز تهدید می‌شود. بدین ترتیب دغدغه‌ی همیشگی او برای تأمین امنیت در مقوله‌ای جدید با عنوان احساس امنیت اجتماعی ظهور می‌کند. مفهوم امنیت اجتماعی و [احساس ناشی از آن] در پی توسعه‌ی تحلیل‌های جدید امنیتی و پس از جنگ سرد در اروپا مطرح شد. این مفهوم، نخست به عنوان یک رویکرد مفهومی به وسیله‌ی گروه مستقلی از محققان در مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاک^۱ توسعه پیدا کرده (بیلگین، ۲۰۰۳، ۲۱۱) و به‌صورت توان یک جامعه برای حفاظت از هویت گروهی‌شان در مقابل تهدیدات واقعی یا فرضی، تعریف شده است (ویور، ۵، ۲۰۰۰). بدین ترتیب بیشتر تهدیدات برای افراد، ناشی از این حقیقت است که آنها در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط، به وجودآورنده‌ی انواع فشارهای غیرقابل‌اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. با توجه به اینکه افراد اولین منبع ناامنی یکدیگرند مسأله‌ی امنیت افراد ابعاد گسترده‌تر اجتماعی و سیاسی پیدا کرده است (بوزان، ۱۳۷۸، ۵۴) که این ابعاد به نوبه‌ی خود، احساس امنیت اجتماعی افراد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند.

1- Copenhagen peace research institute

«امنیت» از ریشه امن است که در مقابل بیم و هراس و ناامنی به کار برده می‌شود. معنا و مفهوم «امنیت» در واقع با «امن» یکی است. چنانکه «امن» را اینگونه معنا و تبیین کرده‌اند: «اطمینان و آرامش-خاطر» و «ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن». با این اوصاف و از آنجایی که «امنیت»، از واژه «امن» گرفته شده است و با آن، هم‌ریشه است و معنا و مفهوم هر دو نیز، یکی می‌باشد پس باید بگوییم که «امنیت، مترادف است با در امان بودن، ایمنی، آرامش، آسودگی و خاطر جمعی که بالطبع با هرگونه ترس، بیم و هراس در تضاد است و هنگامی عینیت خواهد یافت که از عوامل و موجبات ترس و وحشت، اثری نباشد» (لرنی، ۱۳۸۴، ۱۳۰).

از این منظر، «امنیت عبارت از فراهم شدن حالت یا شرایطی در جوامع ابتدایی در حال رشد یا پیشرفت است که افراد ملت در آن، احساس آرامش خاطر می‌نمایند» (لرنی، ۱۳۸۲، ۲۷). امنیت به لحاظ مفهومی، نماد ابهام‌آمیزی است که ممکن نیست دارای معنایی دقیق باشد (ولفرز، ۱۹۶۲، ۴). ناامنی حالتی است تهدیدآمیز که در معرض خطر بودن را القا می‌کند و امنیت عبارت است از حالتی که از تهدید و خطر مصون باشد (صدیق اورعی، ۱۳۷۵). در فرهنگ معین امنیت به معنی ایمن شدن و در امان بودن و بی‌بیم شدن است (معین، ۱۳۵۴) و در فرهنگ عمید ایمنی به معنی آرامش و آسودگی است (عمید، ۱۳۵۹، ۲۵۷).

در فرهنگ آکسفورد، امنیت اجتماعی به معنای ارتباط امنیت با جامعه نوعی سازماندهی و یا امنیتی که شکل و ساخت اجتماعی یافته است تعریف شده است (آکسفورد، ۲۰۰۰، ۱۲۲۷). با وجود برخی شباهت‌های مفهومی درباره امنیت، ارائه مفهومی کامل از امنیت مستلزم بررسی و تحقیق در خصوص مفاهیم کلیدی مثل قدرت، تهدید و اتحادهاست (ماندل، ۱۳۷۷، ۲۲). امنیت اجتماعی، به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می‌شود که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه هستند.

این قلمروها می‌توانند قومیت، اعتبار، نقش اجتماعی و کار و پیشه (یا شغل افراد) باشند. به عبارت دیگر، «امنیت اجتماعی بر اساس حفظ جان، مال، آبرو و حیثیت افراد جامعه استوار است و در صورتی که این محورها، خدشه‌دار شوند، امنیت اجتماعی متزلزل خواهد شد.

امنیت اجتماعی، یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین امنیت‌ها به شمار می‌رود چرا که اگر امنیت در جامعه، به صورتی باشد که انسان‌ها نتوانند نمودار آینده خود را براساس گذشته خویش، ترسیم کنند، رشد و «توسعه» امکانپذیر نخواهد شد و تحت تأثیر امیال افراد قرار می‌گیرد» (لرنی، ۱۳۸۳، ۴۷).

۲-۳- رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی

سرمایه اجتماعی را می‌توان علاوه بر آثار و پیامدهای اقتصادی آن از جهت آثار و پیامدهای اجتماعی و سیاسی نیز مورد بررسی قرار داد. دورکیم در تحلیل ریشه‌های بروز شرایط بی‌هنجاری در جوامع در حال گذار به آثار و پیامدهای اجتماعی و سیاسی افول سرمایه‌اجتماعی اشاره کرده‌است. در نظر دورکیم، امنیت اجتماعی به مثابه وضعیت حاصل از عمل به هنجارها با مفهوم سرمایه اجتماعی به مثابه وضعیت استقرار و تأثیرگذاری هنجارها در ارتباط است (تقی‌لو، ۱۳۸۵، ۲۴۲).

بنابراین می‌توان گفت همانگونه که در اقتصاد، وجهی از سود یا نفع اقتصادی به صورت متقابل در تعیین حدود مفهومی نوع خاصی از سرمایه به نام سرمایه‌اجتماعی در کنار سرمایه انسانی و سرمایه مادی دخیل است از منظر علوم اجتماعی نیز امنیت اجتماعی به مثابه امری مطلوب در تعیین حدود مفهومی امر دیگری دخیل است که به مثابه سرمایه اجتماعی به صورت یکی از عوامل تولید امنیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

بررسی تاریخیچه شکل‌گیری مفهوم کاربرد اصطلاح سرمایه اجتماعی نیز وجود این رابطه متقابل مفهومی میان سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی را به خوبی نشان می‌دهد. چنانچه در اولین کاربست اصطلاح سرمایه اجتماعی در اثر جیمز جاکوب (۱۹۶۱) با عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی»، «شبکه‌های فشرده در محدوده حومه قدیمی و مختلط شهری به عنوان صورتی از سرمایه اجتماعی در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی» تعیین‌کننده در نظر گرفته شده‌اند (فوکویاما، ۱۳۷۹، ۱۰). بدین ترتیب می‌توان گفت که تصور وضعیت امن اجتماعی در قالب شبکه‌های فشرده روابط اجتماعی به مثابه نوعی سرمایه ممکن شده و بدین ترتیب در شکل‌گیری مفهوم و تداول اصطلاح سرمایه اجتماعی مسأله‌ای تعیین‌کننده بوده است.

در مورد شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی، ارتباط متقابل مفهومی میان سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی خود را نشان می‌دهد. در سنجش سرمایه‌اجتماعی معمولاً به جای شاخص‌های کیفی سرمایه اجتماعی (میزان همبستگی گروهی، درجه انسجام، میزان تأثیر ارزش‌ها و هنجارها و ...) به‌عنوان یک ارزش مثبت، شاخص‌های دقیق کمی همچون میزان انحرافات اجتماعی، فرار از پرداخت مالیات، رشوه و اختلاس و مانند آن به‌عنوان مظاهر منفی فقدان سرمایه‌اجتماعی به کار گرفته می‌شوند. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی، مستلزم رفتارهای هنجارمند است، انحرافات اجتماعی نیز

بیانگر نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۹-۲۰). بدین ترتیب میزان ناامنی اجتماعی به مثابه شاخصی برای سنجش میزان آسیب و افول در سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، میزان دقیق آسیب‌ها، انحرافات، ناهنجاری‌ها هم به‌عنوان شاخص میزان افول سرمایه اجتماعی و هم به‌عنوان شاخص ناامنی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

در بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی باید به بعد یا جنبه معنایی امنیت اجتماعی که مستلزم تأمین امنیت فرد در مقابل انواع ناهنجاری‌ها، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، جرم و مسائلی از این قبیل است، توجه شود. تأمین نیازهای مادی از طریق کاربست سیاست‌های دولتی، مبنایی لازم برای تأمین امنیت معنایی است. ریشه بسیاری از انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی نه صرفاً فقدان امنیت مادی بلکه دچار شدن افراد به بحران معنا، بحران هویت، بی‌اعتمادی و بی‌قاعدگی است که خود ریشه در افول و آسیب‌پذیری سرمایه اجتماعی دارند (تقی‌لو، ۱۳۸۵، ۲۴۶).

در سطح مفهومی عموماً وجود و تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر پایه تحلیل کارکردی از فقدان ناامنی اجتماعی یعنی نبود ناهنجاری، جرم و جنایت نتیجه گرفته شده و در مقابل، فقدان ناامنی اجتماعی یا وجود امنیت اجتماعی دال بر وجود و تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی است. بدین ترتیب، تعیین روشن تقدم و تأخر علی- معلولی میان سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی دچار ابهام می‌گردد.

حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی به‌مثابه علت یا متغیر مستقل، موجب تأمین امنیت اجتماعی به عنوان معلول یا متغیر وابسته می‌شود؛ زیرا سرمایه اجتماعی به مثابه قواعد راهنمای عمل در متن‌ها و موقعیت‌های مختلف اجتماعی، هر چند خود از مجرای رفتار متقابل افراد در طول زمان شکل گرفته و تکوین می‌یابد، لکن در جایگاه نهاد مستقر اجتماعی به صورت یک علت به بروز رفتارهایی خاص مطابق با متن‌ها و موقعیت‌های اجتماعی مختلف می‌انجامد. چنانکه افراد در صورت قرار گرفتن در چنین متن‌ها و موقعیت‌هایی، لاجرم واکنش‌هایی متناسب با آن از خود نشان می‌دهند. بدین ترتیب می‌توان گفت سرمایه اجتماعی به عنوان یک علت، بروز رفتارهای هنجارمند را به عنوان معلول ایجاب می‌کند و از این‌رو حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی به جهت دامن‌زدن به رفتارهای هنجارمند، به صورت علی موجب تأمین امنیت اجتماعی یعنی کاهش ناهنجاری، جرم و آسیب‌های اجتماعی می‌شود. همانگونه که جیمز کلنن بیان داشته است: «هنگامی که هنجاری وجود دارد و مؤثر هم هست، تشکیل شکلی نیرومند- اگرچه گاهی هم آسیب‌پذیر- از سرمایه اجتماعی را می‌دهد. هنجارهای نافذی که مانع جرم و جنایت باشند این امکان را به وجود می‌آورند که اشخاص در یک شهر در ساعات شب با

فراغ خاطر از خانه خارج شوند و افراد سالمند بی‌آنکه بیمی از بابت ایمنی خود داشته باشند از منزل خود بیرون روند (کلمن، ۱۳۸۴، ۶۲-۶۳).

بدین ترتیب سرمایه اجتماعی به تبع جلوگیری از وقوع جرم، جنایت و ناهنجاری، موجب زمینه سازی مشارکت مثبت و فعال فرد در زندگی اجتماعی می‌شود. جاکوب (۱۹۶۱) نیز تأثیر سرمایه اجتماعی را علاوه بر کاستن از جرم و جنایت در بهبود کیفیت زندگی مورد بررسی قرار داده است.

نقش سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت اجتماعی، چه از جهت جلوگیری از بروز ناهنجاری و یا به تبع و در کنار آن از جهت زمینه سازی مشارکت مثبت و فعال فرد در زندگی اجتماعی، اساساً از مجرای تأثیرگذاری ارزش‌ها، هنجارها، عرف و سنت‌های اجتماعی در جامعه پذیرسازی افراد اعمال می‌شود. چنانچه، بر این اساس پی‌یر بورديو جامعه‌پذیری را ملازم همیشگی سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در اجتماع در نظر می‌گیرد و آن را زنجیره پیوسته‌ای از مبادلات توصیف می‌کند که در قالب آن شناخت به صورت پایان ناپذیری تصدیق و بازتصدیق می‌شود (بورديو، ۱۳۸۴، ۱۵۱).

نقش هنجارها علاوه بر اعمال نفوذ و کنترل بر افراد در فرآیند جامعه‌پذیری، ایجاد عنصر اعتماد در روابط متقابل افراد در اجتماع و به تبع آن تقویت قاعده‌مندی رفتاری و انتظام در روابط اجتماعی است. بدین ترتیب سرمایه اجتماعی به صورتی همزمان در سطح فردی زمینه ساز معنا برای زندگی اجتماعی فرد و موجب مشارکت مثبت و فعال او در زندگی اجتماعی می‌شود و در سطح جمعی به قاعده‌مندی و نظم اجتماعی می‌انجامد. این قاعده‌مندی و انتظام خود را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز نشان می‌دهد (اسکار، ۱۹۹۵، ۳۷۱). بر این اساس، امنیت اجتماعی چه از منظر فردی و چه از منظر جمعی به صورت معلول سرمایه اجتماعی نمود پیدا می‌کند. از این رو، ضریب امنیت اجتماعی، متغیری از استقرار و قوام سرمایه اجتماعی خواهد بود.

هنجارها، ارزش‌ها، عرف و سنت‌هایی که در یک بستر اجتماعی در طول زمان از مجرای رفتار متقابل افراد شکل گرفته و تکوین می‌یابند در مقایسه با نهادها و قانون‌های رسمی و تأسیسی، نقش اساسی‌تر در جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی ایفاء می‌کنند؛ زیرا در مقایسه با عامل اجبار بر پایه عامل اعتماد متقابل جمعی عمل می‌کنند.

سرمایه اجتماعی که بدین ترتیب شکل می‌گیرد، در مقایسه با نهادهای رسمی، نیروهای قضایی و پلیس که به شیوه اقتدارآمیز و مبتنی بر اجبار عمل می‌کنند، به شیوه‌ای غیررسمی و غیراقتدارآمیز منجر به تأمین امنیت اجتماعی می‌شود (مهرداد، ۱۳۶۷، ۱۱).

۳- پیشینه تحقیق

با رشد سریع گرایش نظری به سرمایه اجتماعی، برخی از مطالعات شامل ارزیابی سرمایه اجتماعی و آثار آن در برخی از کشورها شکل گرفت. در ارتباط با رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی، بررسی‌ها نشان داده است سطوح پایین سرمایه اجتماعی با میزان رفتارهای مجرمانه و خشن مرتبط است؛ سامپسون و راندنبوش (۱۹۹۷) ۳۴۳ محله‌ای را در شیکاگو بررسی کردند و دریافتند «کارایی جمعی» (یعنی انسجام اجتماعی ترکیب شده با تمایل افراد برای مشارکت در امور عام‌المنفعه) یک پیش-بینی کننده منفی میزان پایین تر خشونت بود.

پاتنام (۲۰۰۰) دریافت شاخص ترکیبی او درباره سرمایه اجتماعی، همبستگی منفی با میزان قتل در کل آمریکا و با نزاع که او به عنوان نماد رفتار خشن در نظر می‌گیرد، دارد. بررسی‌های دیگر (OECD، ۲۰۰۱، ۵۴) مواردی را در آمریکا گزارش کرد که نشان می‌دهد حتی با کنترل فقر و عوامل دیگر که ممکن است رفتار مجرمانه را تقویت کند، مناطقی با این ویژگی‌ها شناخته می‌شوند: گمنامی و آشنایی محدود بین ساکنان، گروههای همسان خارج از کنترل نوجوانان و سطح پایین مشارکت مدنی به سمت خطر فزاینده جرم و خشونت رو می‌کنند. هالپرن (۲۰۰۱) با استفاده از داده‌های یک پیمایش بین‌المللی قربانیان جرم، برای اندازه‌گیری نرخ جرم و سرمایه اجتماعی در ۱۸ کشور، دریافت دو سوم تنوع فراملی در میزان جرم می‌تواند با سطوح بی‌عدالتی اقتصادی، رفتار خودخواهانه و اعتماد اجتماعی قابل توجیه باشد.

کلی و فرناندز در تأیید نقش سرمایه اجتماعی در امنیت اجتماعی مطالعاتی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که در جوامع فاقد سرمایه اجتماعی، جرم و جنایت بیشتر است و خانواده‌ها از دوام کمتری برخوردارند (اختر محقی، ۱۳۸۵، ۱۴).

محسن ردادی (۱۳۸۷) در مطالعه «رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی» معتقد است هنجارها موجب تقویت همیاری، انسجام بخشی و کاهش کنترل رسمی شهروندان می‌گردد و بدین صورت امنیت اجتماعی را تقویت می‌کند. بنابراین با انباشت سرمایه اجتماعی در طول زمان می‌توان از بسیاری از جرایم پیشگیری کرد.

گروسی و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت» کوشیده‌اند تا تأثیر شاخص‌های اعتماد اجتماعی بر احساس امنیت در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت را بررسی کنند. یافته‌های این تحقیق از یک نمونه ۸۸ نفری از بین دانشجویان

رشته‌های مختلف تحصیلی شهرستان جیرفت در سال ۱۳۸۵ به روش تکمیل پرسشنامه حاصل شده است. نتایج مطالعه حاکی از این امر است که میزان احساس امنیت اجتماعی در جمعیت مورد مطالعه تنها با یکی از انواع سه‌گانه اعتماد (اعتماد بین شخصی) ارتباط معنادار دارد. نتایج مطالعه انصاری (۱۳۸۲) با عنوان «عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا در شهرستان تهران»، نشان می‌دهد که بین شاخص‌هایی چون اعتماد، یگانگی اجتماعی، قانون‌گرایی، وجدان کار و رضایتمندی اجتماعی با امنیت اجتماعی شهروندان رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

پژوهش «تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها، مطالعه موردی: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه استان کرمانشاه» توسط قالیباف و همکاران (۱۳۸۷) با هدف بررسی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی بر امنیت مناطق مرزی صورت گرفته است. روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات به روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ساکنان این بخش از مرز، اعتماد زیادی نسبت به یکدیگر دارند، جامعه نمونه، ضمن تأیید مرزهای آرام در این منطقه، وجود برخی ناامنی‌ها مانند قاچاق کالا و مشروبات الکلی را تأیید می‌کنند. همچنین، تحقیقی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی (با تأکید بر نقش پرداخت رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی) توسط بهرام بیات (۱۳۸۷) انجام شده است. هدف این تحقیق بررسی متغیرهای مؤثر بر احساس امنیت در شهر تهران می‌باشد. روش تحقیق در این بررسی از نوع پیمایشی و اطلاعات به وسیله پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری تحقیق شامل شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر تهران می‌باشد که تعداد ۷۷۸ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین میزان احساس ناامنی و متغیرهای میزان بروز جرایم، پرداخت رسانه‌ای، هویت و اعتماد رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۴- روش تحقیق

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی^۱ بوده و اطلاعات تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. در این پژوهش، برای سنجش هر یک از متغیرهای اصلی پژوهش از گویه‌های مربوطه در قالب طیف لیکرت استفاده گردیده است. اعتبار و روایی گویه‌های طیف در

1- Social survey

آزمون مقدماتی و نهایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفته است. پس از جمع-آوری داده‌های تحقیق و ورود داده‌ها به کامپیوتر با استفاده از برنامه کامپیوتری SPSS و فعالیت‌های آماری مربوطه، تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق صورت گرفته است.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان در سن فعالیت (۶۴-۱۵ سال) ساکن در منطقه شمال تهران (مناطق ۱ و ۲) و زنان ساکن در منطقه جنوب تهران (مناطق ۱۹ و ۲۰) در سال ۱۳۸۹ می‌باشد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد که در مرحله اول بلوک‌ها در هر منطقه شناسایی شده است، در مرحله دوم واحدهای مسکونی در داخل بلوک‌ها مشخص گردیده و نهایتاً در مرحله سوم در هر منزل از بین زنان گروه سنی ۶۴-۱۵ سال آن منزل با روش تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه مورد نظر تکمیل گردیده است.

در این مطالعه تعداد زنان در گروه سنی ۶۴-۱۵ در مناطق یاد شده به‌استناد سرشماری عموم و نفوس مسکن در سال ۱۳۸۵ و با توجه به نرخ رشد ۱/۶ جمعیت تهران سال ۱۳۸۹ برآورد گردیده است. بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۲۶۶ نفر از هر یک از مناطق ۱ و ۲ و ۲۶۵ نفر از هر یک از مناطق ۱۹ و ۲۰ به عنوان حجم نمونه تعیین گردیده و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند.

۵- یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا مشخصات فردی پاسخگویان ارائه گردیده است. پس از آن یافته‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق ارائه و مورد توصیف قرار گرفته‌اند. در بخش پایانی با استفاده از فعالیت‌های آماری مربوطه، رابطه بین متغیرهای فوق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۵-۱- مشخصات فردی پاسخگویان

در مطالعه زنان مناطق ۱ و ۲ در شمال تهران، بیشترین فراوانی در گروه سنی ۲۵-۲۱ بوده که ۲۵/۳۷ درصد را به خود اختصاص داده و ۶۰ درصد در گروه سنی ۳۰-۱۵ قرار گرفته‌اند. همچنین، ۴۳ درصد متأهل و ۵۶ درصد مجرد می‌باشند. بیشترین فراوانی تحصیلی مربوط به مقطع تحصیلی لیسانس می‌باشد که ۵۳ درصد را به خود اختصاص داده‌است. ۸۸ درصد از گروه مورد مطالعه دارای تحصیلات تا پایان مقطع لیسانس بودند. ۸۲ درصد از زنان فاقد اشتغال هستند. همچنین، ۶۸ درصد متولد شهر

تهران بوده‌اند. یافته‌های مربوط به مشخصات فردی زنان مورد مطالعه در جنوب شهر تهران (مناطق ۱۹ و ۲۰) نشان می‌دهد ۵۰ درصد آنان دارای سنین ۱۵ تا ۲۵ سال و ۵۴ درصد از آنان متأهل می‌باشند. ۷۵ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم و یا بالای دیپلم می‌باشند. ۳۴ درصد خانه‌دار و ۱۵ درصد محصل یا دانشجو می‌باشند. همچنین، ۷۸/۲ درصد از زنان گروه مورد مطالعه در جنوب تهران فاقد درآمد هستند.

۲-۵- توصیف یافته‌ها

در این بخش یافته‌های مربوط به متغیر مستقل تحقیق یعنی میزان سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و آگاهی اجتماعی) و همچنین میزان احساس امنیت زنان به عنوان متغیر وابسته تحقیق ارائه گردیده است.

۱-۲-۵- سرمایه اجتماعی

در این مطالعه با توجه به مباحث نظری تحقیق، برای سنجش سرمایه اجتماعی شهروندان، از چهار مؤلفه اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، روحیه مشارکت‌جویی و آگاهی اجتماعی در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. در جدول زیر توزیع فراوانی و درصدی هر یک از مؤلفه‌های فوق ارائه گردیده است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی و درصدی میزان هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به تفکیک زنان مناطق شمال و

جنوب تهران

زنان جنوب تهران		زنان شمال تهران		موارد	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۳/۶	۶۰	۲۸/۳	۱۴۸	کم	اعتماد اجتماعی
۴۹/۱	۲۱۶	۵۹/۸	۳۱۳	متوسط	
۳۷/۳	۱۶۴	۱۱/۹	۶۲	زیاد	
۱۰۰	۴۴۰	۱۰۰	۵۲۳	جمع	
۱۱/۶	۵۱	۳۳/۶	۱۷۵	کم	مشارکت اجتماعی
۵۴/۳	۲۳۹	۶۰/۸	۳۱۷	متوسط	
۳۴/۱	۱۵۰	۵/۶	۲۹	زیاد	
۱۰۰	۴۴۰	۱۰۰	۵۱۲	جمع	

۱۱/۴	۵۰	۲۹/۴	۱۵۴	کم	انسجام اجتماعی
۶۳/۴	۲۷۹	۶۱/۶	۳۲۲	متوسط	
۲۵/۲	۱۱۱	۹	۴۷	زیاد	
۱۰۰	۴۴۰	۱۰۰	۵۲۳	جمع	
۲۵/۲	۱۱۰	۱۹/۹	۱۰۴	پایین	آگاهی اجتماعی
۵۴/۳	۲۳۹	۵۸/۱	۳۰۳	متوسط	
۲۰/۵	۹۱	۲۲	۱۱۵	بالا	
۱۰۰	۴۴۰	۱۰۰	۵۲۲	جمع	

یافته‌های پژوهش جدول فوق بیانگر این امر است که زنان جنوب تهران در ابعاد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی نسبت به زنان شمال تهران از نمرات بالاتری برخوردار می‌باشند. بدین ترتیب به میزان ۳۷/۳، ۳۴/۱ و ۲۵/۲ درصد بوده است، در حالیکه این میزان در بین زنان شمال تهران به ترتیب ۱۱/۹، ۵/۶ و ۹ درصد می‌باشد. در بعد آگاهی اجتماعی، میزان آگاهی در حد زیاد در بین زنان شمال تهران به میزان ۲۲ درصد بوده است و این میزان در بین زنان جنوب تهران به ۲۰/۵ درصد کاهش یافته است. در جدول زیر آماره‌های قابل مقایسه سرمایه اجتماعی ارایه گردیده است.

جدول شماره ۲: آماره‌های قابل مقایسه سرمایه اجتماعی

گروه شاخص	حداقل	حداکثر	میانه	میانگین	انحراف معیار	ضریب کجی	ضریب کشیدگی
شمال	۱۸	۷۵	۴۴	۴۴/۳۵۲۴	۹/۸۱۳۹۰	-۰.۱۲۷	۱/۸۸۱
جنوب	۲۸	۷۱	۴۷	۴۶/۹۷۷۴	۷/۰۹۹۳۱	۰.۱۰۳	۰.۴۷۵

با توجه به مجموع داده‌های مربوط به چهار متغیر فوق و تقسیم آن به سه مقوله با فواصل برابر میزان سرمایه اجتماعی زنان جامعه مورد مطالعه بررسی شده است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی و درصدی میزان سرمایه اجتماعی زنان به تفکیک مناطق شمال و جنوب تهران

موارد	زنان شمال تهران		زنان جنوب تهران	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کم	۱۵۹	۳۰/۴	۵۵	۱۲/۵
متوسط	۳۱۷	۶۰/۷	۲۴۴	۵۵/۴۵
زیاد	۴۶	۸/۸۱	۱۴۱	۳۲/۰۴
جمع	۵۲۲	۱۰۰	۴۴۰	۱۰۰

یافته‌های تحقیق بیانگر این امر است که میزان سرمایه اجتماعی زنان شمال تهران به میزان ۳۰/۴ درصد در حد کم، ۶۰/۷ درصد متوسط و ۸/۸۱ درصد در حد زیاد بوده است. همچنین، میزان سرمایه- اجتماعی زنان مناطق جنوب تهران به میزان ۱۲/۵ درصد در حد کم، ۵۵/۴۵ درصد متوسط و ۳۲/۰۴ درصد در حد زیاد می‌باشد. بر اساس یافته‌های تحقیق میزان سرمایه اجتماعی در حد زیاد در بین زنان جنوب تهران در مقایسه با زنان شمال تهران از وضعیت مناسب‌تری برخوردار می‌باشد.

۵-۲-۲- میزان احساس امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی ناظر به تولید امنیت از بستر جامعه می‌باشد (کلاهیچیان، ۱۳۸۲، ۱۳۷). امنیت اجتماعی بر فراغت جمعی از تهدیدی که عامل غیرقانونی دولت یا دستگاه یا فرد و یا گروهی که در تمام یا قسمتی از جامعه به وجود آورده است، تأکید می‌ورزد (امیری، ۱۳۸۲: ۳۱۵). در این پژوهش، منظور از احساس امنیت اجتماعی آن است که زنان با حضور در اجتماع، در محیط کار، در مکان‌های عمومی، خیابان و ... تا چه حد اطمینان دارند که امنیت آنها تأمین می‌شود و احساس ترس و نگرانی نمی‌کنند. احساس امنیت اجتماعی، هرگونه نگرانی از تهدید، ترس هنگام تنهایی در خیابان، ترس از حضور در خیابان به ویژه در شب، عدم اعتماد به غریبه‌ها و غیره را شامل می‌شود. در جدول زیر آماره‌های قابل مقایسه متغیر امنیت اجتماعی ازایه گردیده است.

جدول شماره ۳: آماره‌های قابل مقایسه امنیت اجتماعی

گروه شاخص	حداقل	حداکثر	میانه	میانگین	انحراف معیار	ضریب کجی	ضریب کشیدگی
شمال	۲۴	۱۱۵	۶۰	۶۱/۲۶۶۹	۱۵/۶۵۴۸۳	۰/۰۱۸	۰/۷۹۸
جنوب	۲۷	۱۱۴	۵۲	۵۱/۹۸۸۷	۱۶/۶۲۱۰۹	۰/۱۵	۰/۳۱

اعتبار و روایی گویه‌های طیف احساس امنیت اجتماعی با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ($\alpha=0/85$) مورد تأیید قرار گرفته است. با تقسیم مجموع نمرات این طیف به تعداد گویه‌ها و طبقه- بندی آن در قالب سه مقوله کم، متوسط و زیاد با فواصل برابر، جدول توزیع فراوانی و درصدی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان بدست آمده است.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی و درصدی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان به تفکیک مناطق شمال و جنوب تهران

زنان جنوب تهران		زنان شمال تهران		احساس امنیت اجتماعی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۹/۸	۲۱۱	۲۹	۱۵۴	کم
۴۷/۵	۲۵۲	۵۵	۲۹۳	متوسط
۱۲/۶	۶۷	۱۶	۸۵	زیاد
۱۰۰	۵۳۰	۱۰۰	۵۳۱	جمع

یافته‌های تحقیق در جدول فوق نشان می‌دهد میزان احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال تهران به میزان ۲۹ درصد در حد کم، ۵۵ درصد متوسط و ۱۶ درصد زیاد بوده است. همچنین، میزان احساس امنیت اجتماعی زنان جنوب تهران به میزان ۳۹/۸ درصد در حد کم، ۴۷/۵ درصد متوسط و ۱۲/۶ درصد در حد زیاد می‌باشد.

۳-۵- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این بخش ابتدا به مقایسه میزان احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب تهران پرداخته و پس از آن رابطه بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳-۵-۱- مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان در مناطق شمال و جنوب تهران

در این بخش با استفاده از آزمون t معنی‌داری تفاوت بین احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب تهران مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۵: خلاصه محاسبات آزمون T

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	معنی‌داری
جنوب	۵۳۰	۵۱/۹۸۸۷	۱۶/۶۲۱۰۹	۹/۳۶۴	۱۰۶۰	۰/۰۰۰
شمال	۵۳۲	۶۱/۲۶۶۹	۱۵/۶۵۴۸۳			

بر اساس یافته‌های جدول فوق از آنجایی که t محاسبه شده ($t = ۹/۳۶۴$) از مقدار t بحرانی آلفای ۰/۰۱ بزرگتر است، لذا با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین امنیت اجتماعی زنان

شمال و جنوب تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به طوری که میانگین احساس امنیت اجتماعی زنان شمال بالاتر از زنان جنوب است و فرضیه صفر رد می‌شود.

۵-۳-۲- مقایسه میزان سرمایه اجتماعی زنان در مناطق شمال و جنوب تهران

در این بخش با استفاده از آزمون t معنی‌داری تفاوت بین سرمایه اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب تهران مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۶: خلاصه محاسبات آزمون T

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	معنی‌داری
جنوب	۵۳۰	۴۶/۹۷۷۴	۷/۰۹۹۳۱	۴/۹۷۴	۹۵۴	۰/۰۰۰
شمال	۲۵۲	۴۴/۳۵۲۴	۹/۸۱۳۹۰			

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که t محاسبه شده ($t=۴/۹۷۴$) از مقدار t بحرانی آلفای ۰/۰۱ بزرگتر است، لذا با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت بین سرمایه اجتماعی زنان شمال و جنوب تهران تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به گونه‌ای که میانگین میزان سرمایه اجتماعی زنان مناطق جنوب تهران از زنان مناطق شمال تهران بیشتر است.

۵-۳-۳- رابطه‌ی بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت زنان

در این بخش، رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی زنان مناطق شمال و جنوب تهران و میزان احساس امنیت اجتماعی آنان مورد بررسی قرار گرفته است.

الف) رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت زنان منطقه شمال تهران

با توجه به یافته‌های پژوهش، رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شمال تهران مشاهده می‌شود. در جدول زیر نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در مورد رابطه دو متغیر فوق نشان داده شده است.

جدول شماره ۷: خلاصه محاسبات آزمون همبستگی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان منطقه

شمال تهران

سرمایه اجتماعی	همبستگی پیرسون
۰/۲۹۶	احساس امنیت اجتماعی
۰/۰۰۰	معنی‌داری
۵۳۲	تعداد

با توجه به مقدار همبستگی ($I^2 = 0/296$) و سطح معنی داری ($0/000$) که بزرگتر از مقدار بحرانی جدول است می توان نتیجه گرفت فرض صفر رد می شود و با اطمینان ۹۹ درصد بین سرمایه اجتماعی زنان منطقه شمال تهران و احساس امنیت اجتماعی آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

ب) رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت زنان منطقه جنوب تهران

یافته های پژوهش در مورد رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق جنوب تهران، همبستگی بین دو متغیر فوق را نشان می دهد. در جدول زیر نتایج فعالیت آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ارایه گردیده است. جدول شماره ۸: خلاصه محاسبات آزمون همبستگی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان منطقه

جنوب تهران

سرمایه اجتماعی	همبستگی پیرسون
۰/۶۴۰	احساس امنیت اجتماعی
۰/۰۰۰	معنی داری
۵۳۲	تعداد

با توجه به مقدار همبستگی ($I^2 = 0/640$) و سطح معنی داری ($0/020$) می توان نتیجه گرفت فرض صفر رد می شود و بین سرمایه اجتماعی زنان منطقه جنوب تهران و احساس امنیت اجتماعی آنان در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی داری وجود دارد.

۶- نتیجه گیری:

در مجموع یافته های تحقیق و فعالیت های آماری مربوطه، رابطه معنی دار و مثبت بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان در جامعه آماری مورد مطالعه را مورد تأیید قرار داده است. نتایج این پژوهش با مباحث نظری دانشمندان و نتایج تحقیقات محققین قرابت و همخوانی دارد. از دیدگاه دورکیم، امنیت اجتماعی به مثابه وضعیت حاصل از عمل به هنجارها با مفهوم سرمایه اجتماعی در ارتباط است (تقی لو، ۱۳۸۵). جیمز جاکوب در مطالعه خود تحت عنوان مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی به نقش تعیین کننده شبکه های فشرده در محدوده قدیمی شهر به عنوان صورتی از سرمایه اجتماعی در عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و وجود امنیت اشاره نموده است (فوکویاما، ۱۳۷۹). فوکویاما، میزان ناامنی اجتماعی را به مثابه شاخصی برای سنجش میزان آسیب و افول سرمایه اجتماعی در نظر گرفته است (فوکویاما، ۱۳۷۹، ۱۹ و ۲۰). جیمز کلمن، سرمایه-

اجتماعی را به عنوان هنجارهای نافذی که مانع جرم و جنایت است، قلمداد می‌کند (کلمن، ۱۳۸۴، ۶۲ و ۶۳). همچنین، سامپسون و راندنبوش (۱۹۹۷) در مطالعه ۳۴۳ محله در شیکاگو، انسجام و مشارکت اجتماعی را به عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده کاهش خشونت بیان نموده‌اند. پاتنام (۲۰۰۰) بر همبستگی منفی سرمایه‌اجتماعی با میزان نزاع و خشونت تأکید نموده است. کلی و فاندز در مطالعه خود دریافتند در جوامع فاقد سرمایه‌اجتماعی، جرم و جنایت بیشتر است. در پژوهش‌هایی که در ایران صورت گرفته است نیز رابطه بین سرمایه‌اجتماعی و یا مؤلفه‌های آن با امنیت اجتماعی مورد بررسی و تأکید قرار گرفته است. از دیدگاه لرنی (۱۳۸۴)، بدون انسجام و اعتماد، نمی‌توان به دوام و پایداری نظم و امنیت اجتماعی خوشبین بود. نویدنیا، سامانه امنیت اجتماعی را در سایه تلاش‌های جمعی امکان‌پذیر دانسته است (۱۳۸۸، ۳۵). یافته‌های تحقیق ردادی در پژوهش رابطه سرمایه‌اجتماعی و امنیت اجتماعی (۱۳۸۷) نشان داده است با انباشت سرمایه‌اجتماعی از بسیاری از جرایم پیشگیری نموده و به تقویت امنیت اجتماعی می‌انجامد. نتایج پژوهش گروسی و همکاران (۱۳۸۶) رابطه بین اعتماد بین شخصی و میزان احساس امنیت در بین زنان را نشان می‌دهد. همچنین، یافته‌های پژوهش انصاری (۱۳۸۲) رابطه معنادار بین اعتماد و یگانگی اجتماعی با امنیت اجتماعی شهروندان را مورد تأیید قرار داده است. علاوه بر آن، نتایج پژوهش بیات (۱۳۸۷) رابطه بین سرمایه اجتماعی با میزان احساس امنیت را نشان داده است.

فهرست منابع

۱. آبراهامز، جی‌اچ، ۱۳۶۹، مبانی و رشد جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، جلد اول، انتشارات چاپخش، تهران.
۲. اختر محقق، مهدی، ۱۳۸۵، سرمایه اجتماعی، نشر مؤلف، بی‌جا.
۳. آزاد ارمکی، تقی و کمالی، افسانه، ۱۳۸۳، اعتماد، اجتماع و جنسیت، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳.
۴. آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۷۲، عوامل مؤثر در موفقیت بیشتر مشارکت مردم در توسعه، فرهنگ توسعه، شماره ۱۰، سال سوم.
۵. ازکیا، مصطفی، ۱۳۶۴، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، اطلاعات، تهران.
۶. ازکیا، مصطفی، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی توسعه، چاپ سوم، نشر کلمه، تهران.

۷. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۳، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی، تهران.
۸. ازکیا، مصطفی و فیروزآبادی، سید احمد، ۱۳۸۳، سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکل های تولیدی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۴، زمستان، تهران
۹. افروغ، عماد، ۱۳۷۸، خرده فرهنگ ها، مشارکت و وفاق اجتماعی، مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۰. آلموند، جی او بی جی پاول، ۱۳۸۰، مشارکت و حضور سیاسی شهروندان، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۶۴-۱۶۳، تهران.
۱۱. الغنمی، ام، ار، ۱۳۷۲، بحران فقر روستایی، آیا مشارکت می تواند آن را از بین ببرد، ترجمه ناصر.
۱۲. اوکتایی، روستا و توسعه، شماره پنجم، مرکز مطالعات و تحقیقات روستایی، انتشارات جهادسازندگی، تهران
۱۳. امیری، مجتبی، ۱۳۷۴، پایان تاریخ و بحران اعتماد بازشناسی اندیشه های تازه فوکویاما، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۸-۹۷، تهران
۱۴. امیری، عبدالرضا، ۱۳۸۲، نقش رسانه جمعی در امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، شماره یک، جلد اول، معاونت اجتماعی و ارشاد نیروی انتظامی، تهران.
۱۵. انصاری، حمید، ۱۳۸۲، عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا در شهرستان تهران، در: جعفری، نسرين، زندی، غلامرضا، کاهه، احمد، ۱۳۸۴، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۱۶. اینگلهارت، رونالد، ۱۳۸۲، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، نشر کویر، تهران.
۱۷. بشیریه، حسین، ۱۳۷۴، جامعه شناسی سیاسی، نشر نی، تهران.
۱۸. بوردیو، پییر، ۱۳۸۴، شکل های سرمایه، در: سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه، تهران.
۱۹. بوزان، باری، ۱۳۷۸، مردم، دولت ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، چاپ اول.
۲۰. بیرو، آلن، ۱۳۷۰، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران.

۲۱. بیات، بهرام، ۱۳۸۷، تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی (با تأکید بر نقش پرداخت رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی)، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، پیاپی ۳۵، ۱۳۲-۱۱۵.
۲۲. پاتریک، جی بویل، ۱۳۷۴، برنامه‌ریزی در فرآیند توسعه، ترجمه غلامرضا احمدی و سعید شهابی، نشر ققنوس، تهران.
۲۳. تقی‌لو، فرامرز، ۱۳۸۵، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره دوم، شماره مسلسل ۳۲.
۲۴. تنهایی، حسین ابوالحسن، ۱۳۷۴، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، نشر مرنديز، تهران، چاپ دوم.
۲۵. توسلی، غلام‌عباس و موسوی، مرضیه، ۱۳۸۴، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، تهران.
۲۶. چلبی، مسعود، ۱۳۷۵، جامعه‌شناسی نظم، نشر نی، تهران.
۲۷. خوشفر، غلامرضا، ۱۳۸۷، بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی مراکز شهرهای استان مازندران، دبیرخانه شورای تأمین استان مازندران، مازندران.
۲۸. دورکیم، امیل، ۱۳۶۹، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات کتابسرای بابل، تهران.
۲۹. ردادی، محسن، ۱۳۸۷، سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی، راهبرد یاس، شماره ۱۶.
۳۰. زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ۱۳۸۳، مسئله مشارکت و نقش شوراهای در تعدیل آن، رشد علوم اجتماعی، شماره ۱۶-۱۰، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
۳۱. ساسمن، جerald و حای ای لبت، ۱۳۷۴، ارتباطات فراملی و جهان سوم، ترجمه طاهره ژیان احمدی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۱).
۳۲. سیف‌الدینی، فرانک، ۱۳۷۵، برنامه‌ریزی محلی و مشارکت مردمی در توسعه کشاورزی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
۳۳. شاه حسینی، حسین، ۱۳۷۸، مدیریت مشارکت و توسعه شهری، مدیریت شهری، تهران.
۳۴. صدیقی‌اورعی، غلامرضا، ۱۳۷۵، تأثیر ساختاری بر پدیده امنیت یا ناامنی اجتماعی، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، انتشارات وزارت کشور، تهران، جلد اول، صص ۱۴۲-۱۳۱.

۳۵. طالب، مهدی، ۱۳۷۶، مدیریت روستایی در ایران، دانشگاه تهران، تهران.
۳۶. عمید، حسن، ۱۳۵۹، فرهنگ عمید، نشر امیرکبیر، تهران.
۳۷. فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۷۹، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، انتشارات جامعه ایرانیان، تهران.
۳۸. فیروزآبادی، سید احمد، ۱۳۸۴، سرمایه اجتماعی و نقش آن در شکل‌های تولیدی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، نشر آگاه، تهران.
۳۹. قالیباف، محمدباقر، یاری شگفتی، اسلام، رمضان زاده لسبویی، مهدی، ۱۳۸۷، تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها، مطالعه موردی: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه استان کرمانشاه، فصلنامه ۴۰ ژئوپلیتیک، دوره ۴، شماره ۲، پیاپی ۱۲، ۲۵-۵۰.
۴۱. قوام، عبدالعلی، ۱۳۷۳، سیاست‌های مقایسه‌ای، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) تهران.
۴۲. کاظمی، علی اصغر، ۱۳۷۶، بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، نشر قومس، تهران.
۴۳. کلاهچیان، محمود، ۱۳۸۲، راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، شماره یک، جلد اول، معاونت اجتماعی و ارشاد نیروی انتظامی، تهران.
۴۴. کلمن، جیمز، ۱۳۸۴، نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی، در: سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه، تهران.
۴۵. کوثری، مسعود، ۱۳۷۵، بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان استان خراسان در فعالیتهای عمرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران
۴۶. کوهن، کارل، ۱۳۷۳، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، انتشارات خوارزمی، تهران.
۴۷. گروسی، سعیده، میرزایی، جلال، شاهرخی، احسان، ۱۳۸۶، بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره دوم.
۴۸. گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۷، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، تهران.
۴۹. لرنی، منوچهر، ۱۳۸۲، امنیت ملی و دفاع از ارزش‌ها، چاپ دوم، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، تهران.

۵۰. لرنی، منوچهر، ۱۳۸۳، آسیب‌شناسی امنیت، انتشارات پیام پویا، تهران.
۵۱. لرنی، منوچهر، ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی امنیت، نشر رامین، تهران.
۵۲. لهسایی زاده، عبدالعلی، ۱۳۶۸، تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، نشر نوید، شیراز.
۵۳. لیند، فاجر و اینجمار، ۱۳۷۱، تعلیم و تربیت و توسعه ملی، ترجمه مهدی سجادی، تربیت، تهران.
۵۴. ماندل، رابرت، ۱۳۷۷، چهره‌ی متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵۵. معین، محمد، ۱۳۵۴، فرهنگ لغت فارسی معین، جلد اول، معین، تهران.
۵۶. مهرداد، هرمز، ۱۳۶۷، جامعه‌پذیری سیاسی، انتشارات پاژنگ، تهران.
۵۷. نویدنیا، منیژه، ۱۳۸۸، چشم‌انداز پلیس، امنیت و سرمایه‌اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره دوم، شماره مسلسل ۴۴.
۵۸. نیازی، محسن، ۱۳۸۳، تبیین نقش انسجام اجتماعی بر مشارکت اجتماعی شهروندان کاشان، فصلنامه امداد پژوهان، سال دوم، شماره ۵، ص ۲۵-۱.
۵۹. هریسون، پل، ۱۳۶۴، درون جهان سوم، ترجمه شاداب وجدی، نشر فاطمی، تهران.
۶۰. وحید، فریدون، صمد کلانتری و ابوالقاسم فاتحی، ۱۳۸۲، رابطه سرمایه‌اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان (گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان) مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۲.

61. Axlred, Morris. (1950), "Urban Structure and Social participation American Sociological" Review vol 21. Issue1, pp13-18.
62. Barbalet, J.M, (1996), "Social emotions: Confidence, Trust and Loyalty", in: Intruductional Journal of Sociology and Social Policy, Vol. 16 No.9/10, pp: 75-96.
63. Bilgin, Pinar (2003), "individual and Societal Dimensions of Security".Bilkent university Turkey, Department of International Relation.
64. Buckland, Jerry, (1998), from Relicf and Development to Assisted self Reliance: Nongovermantal organization in Bangladesh, Jerry. Buckland @ V winn ipeg.ca.
65. Caring, Robert L (1987), Training and development handbook, Third edition, new York: Mc Ggrow- Hill Book Company.

66. Colman, J.S (1988), Social capital in the creation if human capital, American journal of Sociology, s95-s1120.
67. Croft, S. and P.Bresford (1992) the Politics of Participation. Journal of Critical Social Policy, Issue, 35, vol, 12, NO, 2: 20-45.
68. Dasgupta, P (1988), "Trust as a commodity" in: D. Gambetta (ed), Trust Making and Breaking cooperative Relations, Oxford: Basic Blackwell. PP:49-71.
69. Eldrige, l(2005) Mean little Girls, Cwk Network, Inc.
70. Fukuyama, F (1997), Trust: The Social Virtues and the Creation of prosperity, Free Press, New York.
71. Gaotri, Huynh. (1986), "popular participation in derelopment". In: Participation in Development: paris: unesco.
72. Good ,D (1988), Individuals, interpersonal relations, and trust, in: D.Gambetta (ed), Trust: Making and Breaking Cooperative Relations, Oxford: Basil Blackwell,pp.31-48.
73. Goulet, Denis, (1995), Development Ethics, A Guide to Theory and Practice, London, ned books Ltd.
74. Hall, Anthony and midgeley, James, (1988), community participation and Development Policy: a Sociological Perspective, in: Development Policies Sociological Perspectives, Manchester University.
75. Halpern, D (2001), Moral values, social trust and inequality, British Journal of Criminology, vol. 41, pp. 236-251.
76. Jacobs, james (1961), The Death and Life of Groat American Cities.
77. Lerner, Danial, (1964), The Passing of Traditional Society. Freepress, NewYork.
78. OECD (Organisation for Economic Cooperation and Development) (2001), The Wellbeing of Nations: the Role of Human and Social Capital, OECD, Paris.
79. Oscar W. Gabriel (1995), Political Efficency and Trust, Edited in the Lmpact of Values, by San W, Van Elinor Scorbrough, Oxford, pp357-361.

80. Osler, Audery ET. Al (2001), Not a problem? Girls and School Exclusion, National Children's Bureau.
81. Oxford advanced learners Dictionary of current English, oxford university press, Edited by sally wehmire (2000).
82. Parssons, Talcott and Robertf, Bales, (1955), Family, Socialization and Interaction Process, The Free Press, New York.
83. Putnam, R (2000), Bowling Alone: The Collaose and Revival of American Community, Touchstone, New York.
84. Putnam, R.D (1995), "Tuning in, Tuning out: The Strange disappearance of Social Capital in America" in: Political Science and Politics, December, pp: 664-683.
85. Putnam, Robert, D and Goss, Kristin, A (2001), "Introduction" in Putnam (ed), Democracies in Flux, The Evolution of Social Capital in Contemporary Society, Oxford University Press.
86. Sampson, R, Raudenbush, S. and Earls, F (1997), Neighbourhoods and violent crime: a multilevel study of collective efficacy, Science, vol. 277, pp. 918-924.
84. Seligman, A (1998), The Problem of Ttrust, Princeton, new Jersey: Princeton University Press.
85. Smith, J (1997), Global civil society? Transnational social movement organizations and social capital, American Behavioral Scientist, 42, 93-107.
86. Sztompka, P. (1999) Trust a Sociological Theory. Cambidge: Cambridge University press.
87. Wearver, Ole (2000). "Societal Security ": [http://www. Ciaonet. Org/ book /hall/ hall01. html](http://www.Ciaonet.Org/book/hall/hall01.html),2000.
88. Wolfers, C. A. (1962) Discord and Collaboration (Baltimore: John Hopkins University Press), p.150.